

نجمه

۱۳۲۹ ۲

شماره ۱۷ ۱۳۱۳
فهرست مندرجات

- ۱ خطابه مبارک حضرت عبدالبهاء در مسئله خلقت
- ۲ خطابه مبارک حضرت عبدالبهاء بروزنامه
- ۳ نطق مبارک حضرت عبدالبهاء در کنوشه
- ۴ تلخراف مبارک حضرت عبدالبهاء از سکوئلاند
- ۵ مکتوب جناب آقا سيد الله از لندن

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

صفحه اول

جلد سوم

شماره ۱۷

قیمت اشتراك

شیكاغو ۳۱ دسامبر ۱۹۱۲

VOL III

N: 17

سالنامه

ماه فروردین ۹۹

نسخه باختر

۱۳۲۹

این جریده بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل گوناگون بشر و وحدت ادیان و ترقیات عصر و انتشار علوم و فنون این قرن جدید و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عموی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادارات قبول و نشر خواهد گردید

خَلَقَتْ

خطابه مبارک حضرت عبدالبهاء در مسئله "خلقت" در بیت مبارک در کویچه ۷۸ نکت ۲۰۹ در شهر نیویورک امریکا ساعت هشت و نیم شب در شب شنبه ششم جولای ۱۹۱۲ در حضور جمعی از یار و اغیار

انسان در عالم وجود طی مراتب کرده است تا عالم انسانی رسیده است در هر مرتبه استعداد صعود برتبه مافوق پیدا کرده است در عالم جماد بوده استعداد ترقی برتبه نبات پیدا کرده لهذا بعالم نبات آمد و در عالم نبات استعداد و ترقی بعالم حیوان حاصل نموده لهذا بعالم حیوان آمد و از عالم حیوان بعالم انسان آمد

در بدایت حیانتش انسان در عالم رحم بود و در عالم رحم استعداد لیاقت و ترقی باین عالم حاصل کرد و قوائی که در این عالم لازم بود در آن عالم تحصیل نمود چشم لازم داشت در این عالم در عالم رحم حاصل نمود گوش لازم داشت در این عالم در عالم رحم پیدا کرد جمیع قوائی که در این عالم لازم بود در عالم رحم تحصیل کرد در عالم رحم مهیای این عالم شد و باین عالم که آمد دید

که جمیع قوای لازمه مهیات جمیع اعضا واجزای که از برای این حیات لازم دارند در آن عالم حاصل نموده

پس در این عالم نیز باید تهیه و تدارک عالم بعد از دید و آنچه در عالم ملکوت محتاج باید تهیه و تدارک آن در این عالم هم چنانکه در عالم رحم قوائی که در این عالم محتاج بان است پیدا نمود هم چنین لازم است که آنچه که در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند در عالم ملکوت بعد از انتقال از این عالم بان عالم محتاج به چیز است؟ و محتاج به چه قوائی است؟

چون آن عالم عالم تقدیس است عالم نورانیت است لهذا لازم است که در این عالم تحصیل تقدیس و نورانیت کنیم و آن نورانیت را باید در این عالم حاصل کنیم و در آن عالم روحت لازم آن روحانیت را باید در این عالم تحصیل نمایم در آن عالم ایمان و ایقان و معرفت الله و محبت الله لازم جمیع را باید در این عالم حاصل کرد تا بعد از صعود از این عالم بان عالم باقی انسان به بیند جمیع آنچه لازم آن حیات ابدی است حاصل نموده آید

واضح است که آن عالم انوار است لهذا نورانیست
 لازم است آن عالم رحمت الله است لهذا محبت
 الله لازم است آن عالم کمالات است لهذا
 باید در این عالم تحصیل کمالات کرد آن عالم
 عالم نفثات روح القدس است در این عالم
 باید در کمالات نفثات روح القدس بود آن عالم
 عالم حیات ابدی است در این عالم باید حیات
 ابدی حاصل نمود انسان بتمام رحمت
 باید این مواهب را تحصیل نماید و این قوای
 روحانی را با علا درجه کمال باید بدست آورد
 و آن اینست :-

- اول - معرفت الله
- ثانی - محبت الله
- ثالث - ایمان
- رابع - اعمال خیریه
- خامس - جانفشانی
- سادس - انقطاع
- سابع - طهارت و تقدیس

و تا این قوی را پیدا نکند و این امور را حاصل ننماید
 البته از حیات ابدیه محروم است اما اگر
 به معرفت الله موفق گردد و ببار محبت الله
 متعهد شود و مشاهده آیات کبری کند
 و سبب محبت بینیش شود و در کمالات طهارت
 و تقدیس باشد البته تولد ثانی یابد و روح
 القدس تعبد گردد و حیات ابدیه مشاهده کند
 سبحان الله ! تعجب اینجاست
 که خدا جمیع بشر را بجهت معرفت خود
 خلق نمود بجهت محبت خود خلق نمود بجهت
 کمالات عالم انسانی خلق نمود بجهت حیات
 ابدیه خلق نمود بجهت روحانیت الهی خلق
 نمود و بجهت نورانیت آسمانی خلق نمود

با وجود این بشر از جمیع غافل معرفت
 هر چیزی را مخفی بنماید جز معرفت الله
 میخواهد بفهمد که در اسفل درجات
 زمین چه چیز است نهایت آرزو را در
 فشب و روز میکوشد که بفهمد در
 زیر زمین چه چیز است توی این سنگ
 چه چیز است زیر این خاک چه چیز است
 به جمیع قوی میکوشد و بنهایت مشقت
 سعی میکند تا کشف سری از اسرار عالم
 کند اما ابد در فکر آن نیست که از اسرار
 ملکوت مطلع شود در عالم ملکوت سیر
 کند برحقاً تو ملکوت اطهر است باید کشف
 اسرار الهی کند و بمعرفت الله برسد و مشاهده
 انوار حقیقت کند و بمقام ملکوتیه پی
 برد ابد در این فکر نیست ولی با اسرار
 فاسوت چه قدر مجذبات است اما
 از اسرار ملکوت بکلی بی خبر است بلکه
 از اسرار ملکوت بی زار است !
 چه قدر این جهل است ! چه قدر
 نادانی است ! چه قدر سبب ذلت
 است ! مثل آن است که انسان یک
 پدر مهربان داشته باشد از برای او
 کتب نفیسه مهیا نموده تا با اسرار عالم
 کردن زینت راحت و آسایش و نعمت مهیا نموده
 لکن پسر از مقتضای طفولیت بی ادراکی از
 جمیع اینها چشم پوشیده و در کنار دریا تعلق
 به ریگها یابد و بملاعب اوقات خود را بگذراند
 و از جمیع این مواهب که پدر برای او مهیا نموده
 دوری جوید چه قدر این طفل نادان است !
 چه قدر این طفل جاهل است ! پدر از برای
 او عزت ابدیه خواسته و او بذلت کبری راضی

پدر از برای او قصر ملکوتی مهیا نموده و لکن او بچاک بازی مشغول پدر از برای او خلعتی از حیرت دوخته و لکن او برهنه راه می رود پدر از برای او اعظم موافق و لذیذترین نعمت ها حاضر نموده و لکن او عقب گناه تپاه می رود!

باری شما الحمد لله ندای ملکوت شنیدید و چشمهای خود را کشورید توجه بخدا نمودید مرادتان خدای الهی نهایت آمالتان معرفت الهی مقصودتان اطلاع با سر و ملکوت و افکار شما حاضر در کشف حقائق حکمت الهیه شب و روز فکر کنید و بکوشید و تخری نمایند تا با سر و خلقت الهی مرفق گردید و بدلائل الوهیت مطلع شوید و به یقین معرفت پیدا کنید که این عالم را موجودی هست خالق هست محیی هست مازنی هست مدبری هست لکن بدلائل و براهین نه بجز احساسات بلکه به براهین قاطعه و دلائل واضح و کشف حقیقی یعنی شاهد موقف گردید آفتاب را چگونه مشاهده می کنید یا الهی را چنین مشاهده عینی لازم و هم چنین بمعرفت ظاهر مقدسه الهیه پی برید باید مظاهر مقدسه الهیه را بدلائل و براهین عارف شوید و هم چنین تعالیم مظاهر مقدسه الهیه را باید اطلاع یابید اسرار ملکوت الهی را باید مطلع شوید باید حقائق اشیاء را کشف کنید تا مظهر الطاف الهی شوید و مؤمن حقیقی گردید و ثابت و راسخ گردید امر الله

الحمد لله ابواب معرفت الله را حضرت بجاو الله گشوده و از برای کل تا سبسی فرموده تا مجموع اسرار ملکوت و ملکوت مطلع شوید و نهایت یابید و انموده او است معلم ما او است ناصح ما

او است رهبر ما او است شبانها جمع الظما خویش مهیا نموده عنایتش را مبذول داشته هر نصیحتی را از برای ما نموده هر تعلیمی از برای ما بیان کرده اسباب عزت ابدیه برای ما مهیا کرده نعمات روح القدس از برای ما حاضر نموده ابواب محبت الهی را بر روی ما باز کرده انوار شمس حقیقت بر ما تابید ابر رحمت بر ما بارید بحر الطاف بر ما موج زده بهار روحانی آمد فیضات نامتناهی الهی جلوه نموده دیگر چه مرهبتی است اعظم از این! چه الطافی است اکبر از این! باید قدر این را بدانیم و بموجب تعالیم حضرتش عمل نمایم تا کل خیر از برای ما حاصل گردد در دو جهان عزیز شویم و نعمت ابدیه را بیابیم و لذت محبت الله را بچشم و اسرار معرفت الله را درک کنیم و مرهبت اسما فی را به بینیم و قوه روح القدس را مشاهده کنیم این است نصیحت من! این است نصیحت من!

خَطَابٌ مَبَارَكٌ بِرُؤْيَا مِيه

هو الله

ای روزنامه عالم پیام مبارک باهل عالم برسان که این قرن قرن نورانیت و این عصر عصر روحانی صح هدایت طلوع یافته است شمس حقیقت بنهایت حرارت و خورشید است وقت را غنیمت شمردید چشم را بگشائید تا مشاهده انوار نماید گوش بگشائید تا ندای ملکوت بشنوید

عبدالبهاء
ع ع

نطق مبارک کنونی

نطق مبارک حضرت عبدالبهاء ص ۱۵۰ ماه ستمبر ۱۹۱۲

من اربلاقات شما خیلی مسرورم شکر میکنم خدا را که حضرت بهاء الله چنین دوستانی دارد رویه‌هاشان روشن است و شامه‌هاشان بر آغوشه محبت الله معطر

همیشه امر الله از شرق طالع شده اما در غرب انتشارش بیشتر بود مثل امر حضرت مسیح که آثارش در غرب شدیدتر بود مسیحیها شرق گویند امر حضرت مسیح از شرق بود غربیان از دست ما گرفتند حتی بدری باشا از وزیرای عثمانی جمعی حاضر بودند که گفت حضرت را میدانید چه خوبی داریم؟ هر چه داشتید غربیان از ما گرفتند علوم ما را گرفتند چنانچه ما قوانین ما جمیع را از دست ما گرفتند این امر بهاء الله را هم می‌ترسم از دست ما بگیرند! با اینکه از شرق ظاهر شده بهاء الله نه غربی است نه شرقی است مقدس از جمیع چهار طرف است او با کائنات که ملکوتی هستند آسمانی هستند سجده کنند خواه از شرق باشند خواه از غرب

شرقها انصافاً حدت بیل جمال مبارک جانفشان نمودند حضرت مسیح کلمه الله بود روح الله بود مقام آنحضرت را جمال مبارک در شرق ظاهر نمودند اهل شرق نور را بخیر را نمی‌خواندند آنرا بهاء الله در شرق انتشار فرمود در نهایت تقدیس ذکر مسیح نمود ذکر نفسی را مانند حضرت مسیح نفرمود دیگر حکومت که آنچه آنحضرت را تقدیس غالی پیش آن است بجز ذکر مسیح دوازده نفر در ایام زندگیش ایمان آوردند یکی از آنها مخالف شد یازده نفر باقی ماند آنها هم بعد از

مسیح متزلزل شدند حتی بطرس که عظیم خواری بود سگه مرتبه مسیح را انکار نمود ولی بعد پشیمان شد بر امر حضرت ثابت و راسخ گشت فی الحقیقه سبب ثبوت خواریان بعد از مسیح بریم بحالیه شد اما امر و نام جمال مبارک دخلی ندارد بیت‌ها را نفر جان خود را فدا کردند وزیر شمشیر قصه می‌کنند به بنید چه قدر مستقیم و جان نثار بودند فی الحقیقه اهل شرق نهایت فداکاری را نمودند عزت خود را فدا کردند مال خود را فدا کردند جان خود را فدا کردند جمیع حتی راه سبیل الهی قربان نمودند چون یکی را میخواهند شهید کنند او را می‌بردند بکشند میرقصید فی الحقیقه نهایت جانفشانان نمودند تا بقوم حضرت بهاء الله قلوب ارتباب یافت و نفوس منجذب گشت لهذا امیدوارم روز بروز این ارتباط زیادتر گردد این محبت تزیاید با بند وحدت عالم انسانی جلوه نماید نورانی آسمانی دلها را روشن کند تا کمال در نهایت محبت و اتحاد باشند روابط روحانی داشته باشند سبب نشر وحدت عالم انسانی شوند بعون و عنایت بهاء الله جمیع من علی الارض متحد گردد جمیع اجناس با یکدیگر مرتبط شوند جمیع ادیان الفت و اتحاد یابند تا بقوم حضرت بهاء الله علم وحدت عالم انسانی بلند شود صلح عمومی خیمه اهل زدنی تک قدس نشر گردد نجات روح القدس دلها را زنده نماید مشاها را معطر کند چشمها را بینا سازد گوشها را شنوا فرماید سرور باری یابند حیات برکت حاصل نمایند سبب تزییات معنویه و صورتیه گردند از موهبت بهاء الله آسان است از نایببات ملکوت الهی سهل است لهذا بنهایت تضرع شکر بندگان الهی نمایند که الحمد لله چشمها را روشن کرد گوشها را شنوا نمود ندای الهی را شنیدند

مؤمن بالله شدید و در ظل الطاف جمال مبارك هر
 آمید پس باید در نهایت سرور باشید که چنین
 موهبتی احسانگت و چنین عنایتی شامل حال
 شد این موهبت سزاوار شکرانه است اگر
 در هزار بار شکرانه نمائیم از عظم شکر بر نیائیم !
 الحمد لله همه موفقید مستبشید و در رسایل الهی
 سالک

من چهل سال در حبس در پادشاه بودم که در
 نهایت عدالت بودند جمیع راههار آمد و در
 نمودند از قلعه عکایک نفر بیرون نمی توانستید
 و در راه خانه محصور بولیس و جاسوس بود و از
 هر جهت محاط نمی گذاشتند احدی نزدیک نباید
 یا من بیرون بروم در نهایت شدت و سختی !
 بعون و عنایت بهاء الله من مقاومت و مقابله نمودم
 کسی گمان نداشت که من بیرون می آیم با نهایت
 سختی و منع شدید من سوکل بودم بجمال مبارك
 اعتماد داشتم تا آنکه بغتة خدا زنجیر را از گردن
 من برداشت و بگردن عبد الحمید انداخت !
 من از قلعه بیرون آمدم او داخل شد من آزاد
 شدم او محبوس گردید آنچه با من نمود وضع
 سابق بود بالعکس و قوی یافت الحمد لله بفضل
 بهاء الله تا امریکا آمدم رویهای شمارا دیدم هیچ بخار
 نگذشت اما بطن جمال مبارك همه ابواب مفتوح
 شد علم الهی بلندگشت صیت امرالله شرق و غرب
 را فرا گرفت نفوذ کلمه بهاء الله عالم را طعم نمود

اجتبا خود نمودند متفق بود که در هر نوزده روز
 دو کرسی سرین با اسم جمال مبارك و حضرت من اراده الله
 خالی گذارده از روی چنین روزی میفرودیم
 فرمودند : - من هم میخواستم اسبابی فراهم

آید که بکنوشه بیایم احباب امدادات کفر
 خدا زمین و زمان برهم زرد تا من بامریکا و کنوشه
 بیایم در سلطنت را تغییر داد تا من روی
 شما را بنیم امیدوارم امیدوارم از این ملاقات
 نتایج عظیمه حاصل شود حرکت تازه در نفوس
 پیدا گردد روح تازه بیاید حرکت بهائی در
 اینجا خیلی عظیم شود .

تغیرات

صورت تغیرات مبارك حضرت عبد البهاء :-
 تاریخ ۱۴ جانوری . شکافو دکتر بغداد
 سکوتلاند روشن شد تحت با حجاب
 ابلاغ نما (امضا) عباس

مکتوب

جناب آقا استاد الله فی نوشته بودند
 که :- از روزیکه از نیویورک حرکت فرمودند
 صحت طائف حول من طایف حوله لاسماء و اعتدال فصل
 موجود و مانند نور مشهور از وجود اظهر
 هر لندن دسته بدسته از هر قبیل نفوس میاید
 و شرق میشوند . بهمان منوال که در امریکا
 روزها مجلس میشد تشریف میاوردند بیانات
 میفرمودند در اینجا نیز همه روزه مجلس است
 و الحمد لله در هر وقت لنا احلی بتا اثر اجای
 امریکا شغول است محفل نیست ذکر اجای
 امریک تغیرات صد شکر خدا که توجه مبارك
 بامریکا است لابد تا مجلس ظاهر خواهد شد
 از قراریکه ذکر فرمودند از برای اول بهار
 شاید وارد حینا بشوند الله اعلم .